بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

جناب جلالت مآب آقا میرزا مهدی

بدیهی است که از آنجناب نوشته نرسیده و تا کال تحریر

چند نوشته پرداخته ام و بجواب هیچیک نرسیده ام امیدوارم بجز کثرت مشاغل باعثی خدا نخواسته از کسر مزاج شریف

یا از عدم محبت نداشته باشد در اینوقت در قاصد عازم بود لازم آمد بتحریر این مختصر زحمت افزا شوم و بعضی وقایع را شرح

داده برشته تحریر کشم زیرا که اطلاع آنجناب لازم و واجب است روز هفتم شهر محرم الحرام بعد از ظهر خیال خواب داشتم

که از طرف مدحت پاشا والی بغداد یاور جب آمد که پاشا سلام میرساند و خواهش دارد که شما چادر تکیه را خودتان خراب کنید

گفتم من هم خواهش میکنم والتماس مینمایم که از این مطلب صرف نظر بفرمایید گفت محال است لابد باید خراب شود گفتم باعث

چیست گفت ریش سفیدان اهل سنت و جماعت مضبطه کرده اند و در سرایه احتجاج کرده اند که در جهال ما میخواهند عقاید ما را بریزند

و این چادر را آتش بزنند و خانه عباس میرزا را بچاپند گفتم بپاشا سلام برسان و بگو من خودم و خانه ام و چادرم از من نیست

متعلق به بندگان دربار معدلت مدار اعلیحضرت ظل اللهی روحنا فداه است در این باب گفتگو با کارپرداز خانه نمایید

گفت وکیل کارپرداز حاضر بود که مرا پاشا فرستاد گفتم جواب همان است رفت چون کارپرداز در کاظمین بود آدمی سوار کرده نوشته

بتعجیل فرستادم ده دقیقه نکشید که معاون خود را پاشا با حاجی میرزا علی فرستاد و اصرار در خراب کردن چادر نمود گفتم شما

ملاحظه نمایید که من تازه به بغداد آمده ام نه اهل بغداد تازه شده اند چندین سال است از تعزیه داری و سینه زدن در کوچه ها

معتاد بوده است تا امسال سینه زدن را منع کردید سنی ها شریر شدند و میخواهند بالتمام تعزیه را موقوف دارند والله این چادر

چه ضرری بدین یا دولت دارد خلاصه گفتگو دراز شد حاجی میرزا علی گفت پاشا گفته تا ساعت ده مهلت است اگر خراب

کردند فهو المراد والا نظام میفرستم خراب میکنیم من بمعاون گفتم پس از این قرار مقصود شما اهانت من است من خودم هیچ داخل

آدم نیستم اما یک از ادنی نوکران اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه جمجاه روحنا فداه میباشم هر کس میتواند خراب کند بکند

من خود این ننگ را نمی پسندم تا نظام بفرستید و خراب بکنید من هم سوار شده میروم با ایران معلوم است در نظر شما

دولت ما ضعیف است و ملت ما هم رافضی است هرچه میخواهید میکنید چادر از زوار ما را بی تقصیر کشتید بعد

طبیب فرستادید و گفتید مریض بود و از مجلس برخواستم معاون گفت از چه شد گفتم همین که گفتم و رفتم معاون را که خواسته

[illegible]